

روزنامه صبح ایران

روزنامه صبح ایران

چهار سناریوی بی‌بی روی میز ترامپ در مورد تهران

دیپلماتی فریب

صفحه ۷



اخبار

تداوم عملیات بارورسازی ابرها تا پایان بهار با همکاری وزارت نیرو و هواشناسی



نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از تداوم عملیات بارورسازی ابرها از ۲۴ آبان‌ماه تا پایان فصل بهار خبر داد.
باشگاه خبرنگاران جوان - نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز پنجشنبه اعلام کرد: عملیات بارورسازی ابرها در سال جاری در چند منطقه کشور آغاز شده و طبق برنامه‌ریزی انجام‌شده، از ۲۴ آبان‌ماه شروع شده و تا پایان فصل بهار ادامه خواهد داشت.
بر اساس این گزارش، مناطق هدف اجرای این عملیات شامل شمال‌غرب کشور (حوزه دریاچه ارومیه در استان‌های آذربایجان غربی و شرقی)، شمال‌شرق کشور (استان خراسان) و فلات مرکزی (حوزه آبریز زاینده‌رود در استان‌های چهارمحال‌بوختیاری و اصفهان) است.
روابط عمومی نیروی هوافضای سپاه با اشاره به انجام چند سورتی پرواز عملیاتی در روزهای اخیر اعلام کرد: این پروازها با درخواست وزارت نیرو و بر مبنای پیش‌بینی‌های سازمان هواشناسی کشور انجام می‌شود و پس از ابلاغ مأموریت، فرایند آماده‌سازی هواپیما و اجرای عملیات توسط یگان‌های پروازی صورت می‌گیرد.
در ادامه این گزارش آمده است: براساس ارزیابی‌های انجام‌شده از سوی نهادهای تخصصی و متولی، عملیات بارورسازی ابرها می‌تواند بین ۱۸ تا ۲۵ درصد موجب افزایش میزان بارندگی شود و به‌عنوان یکی از راهکارهای مکمل در مدیریت منابع آب کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد.
روابط عمومی نیروی هوا فضای سپاه تأکید کرد: تمامی پروازهای بارورسازی با رعایت کامل اصول ایمنی و تنها در شرایط جوی مناسب انجام می‌شود و هدف از اجرای این مأموریت‌ها، کمک به کاهش آثار خشکسالی و بهبود وضعیت منابع آبی در حوزه‌های آبریز مهم کشور است.

یادداشت

محاصره ژئواکونومیک؛از «تخریب خلاق» ترامپ تا «جاده ترامپ» در قفقاز

در هشتم آگوست ۲۰۲۵ (۱۷ مرداد ۱۴۰۴)، اعضای توافقنامه سه‌جانبه در واشنگتن برای تأسیس «مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی» (TRIPP)، تنها یک رخداد دیپلماتیک نبود؛ بلکه اعلام رسمی ورشکستگی دگترین «ایران؛ هاب ترانزیتی منطقه» بود.

این رویداد، که با مهندسی دقیق تیم اقتصادی دونالد ترامپ و تحت دگترین «تخریب خلاق» شکل گرفت، نشان داد که در اقتصاد جهانی قرن بیست و یکم، «امنیت سرمایه‌گذاری» بر «جبر جغرافیایی» مقدم است. ما سال‌ها در تهران بر روی نقشه‌ها خطکش گذاشتیم و با تکیه بر کوتاه‌ترین مسیر وصل‌کننده شرق به غرب، خود را بی‌رقیب پنداشتیم. اما واقعیت بازار این است که سرمایه، مسیرهای امن، ارزان و دارای تضمین حقوقی را انتخاب می‌کند، نه لزوماً کوتاه‌ترین مسیر فیزیکی را. توافق TRIPP با ایجاد یک کریدور ۴۳ کیلومتری در جنوب ارمنستان تحت مدیریت کنسرسیومی آمریکایی با اجاره ۹۹ ساله، عملاً ایران را از معادله ترانزیت انرژی و کالا در حوزه خزر و قفقاز حذف کرد. این یادداشت، نه یک بیانیه سیاسی، بلکه یک «ترازنامه اقتصادی» است از آنچه از دست داده‌ایم و هزینه‌های سنگینی که در زمستان ۱۴۰۴ خواهیم پرداخت.

پرده اول: اقتصاد سیاسی «جاده ترامپ»؛ حذف رقیب با ابزار بازار

کریدور TRIPP (که پیش‌تر دالان زنگرور نامیده می‌شد) یک پروژه صرفاً جاده‌ای نیست؛ بلکه یک پلتفرم اقتصادی چندوجهی است که مستقیماً درآمدهای ارزی و جایگاه استراتژیک ایران را هدف قرار داده است.

ایران پتانسیل کسب درآمد سالانه ۵ تا ۱۰ میلیارد

دلار از ترانزیت کالا در مسیر شرق-غرب را داشت. با عملیاتی شدن TRIPP و اتصال آن به «کریدور میانی» (Middle Corridor)، جریان کالای چین و آسیای مرکزی به اروپا، ایران را دور می‌زند. کنسرسیوم آمریکایی با تضمین امنیت و ارائه تعرفه‌های رقابتی (که به دلیل حذف ریسک تحریم‌ها ممکن شده است)، مزیت رقابتی مسیر ایران را خنثی کرده است.

بخش خطرناک‌تر این توافق برای اقتصاد ایران، بستر حقوقی و امنیتی آن برای عبور خطوط لوله گاز ترکمنستان و قزاقستان به اروپاست (Trans-Caspian Pipeline). ایران سال‌ها تلاش داشت تا با قراردادهای سواپ (Swap)، خود را در بازار انرژی منطقه حفظ کند.

اما با تضمین امنیت TRIPP توسط ایالات متحده، مسیر انتقال انرژی خزر به ترکیه و اروپا بدون نیاز به زیرساخت‌های فرسوده ایران هموار می‌شود. این یعنی صفر شدن شانس ایران برای تبدیل شدن به هاب انرژی منطقه.

پرده دوم: تراز تجاری منفی و چک برگشتی شرق
سیاست «نگاه به شرق» که به عنوان راهبرد جایگزین برای مقابله با تحریم‌ها معرفی می‌شد، در ترازوی آمار و ارقام اقتصادی، مردود شده است. عضویت در شانگهای (SCO) و بریکس (BRICS) تا کنون فاقد خروجی ملموس مالی برای ایران بوده است.

داده‌های گمرکی هفت ماهه اول سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که تجارت غیررفتی ایران با چین (بزرگترین شریک تجاری) با کاهش حدود ۹ درصدی در ارزش مواجه شده است. چین به عنوان یک «سرمایه‌گذار محتاط»، منافع تریلیون دلاری خود با آمریکا و اروپا را به خطر نمی‌اندازد. در حالی که ما دلخوش

آیا یک اپیدمی تهدیدکننده دیگر در راه است؟

یکه‌تازی آنفلوآنزا در کشور

صفحه ۸

سرمایه‌گذاران آینده‌را در خارج از ایرانی جست‌وجو می‌کنند

فرار سرمایه به بیرون از مرزها

می‌گویند. از طرفی سرمایه‌گذار بر اساس تئوری پرتفوی به دنبال بیشینه‌سازی سود متناسب با ریسک است. این تئوری بیان می‌کند که افراد چگونه دارایی‌های خود را میان گزینه‌های مختلف بر اساس کسب حداکثر بازدهی با حداقل ریسک تخصیص می‌دهند. به بیان ساده، سرمایه‌گذار هم سود را می‌سنجد و هم میزان نااطمینانی را. اگر بازدهی بالقوه یک بازار بالا باشد اما ریسک آن بیش از حد تصور شود، سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد به گزینه‌های کم‌ریسک‌تر فرار کند. هنگامی که تورم بالا، تغییرات ناگهانی نرخ ارز، تصمیم‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و نبود چشم‌انداز شفاف بر فضای اقتصادی فعلی به عنوان مهمترین منبع پیش‌بینی آینده تلقی می‌شوند؛ تصمیم‌هایی که بر اساس آن سرمایه‌گذار ترجیح می‌دهد دارایی خود را به محیطی با سابقه روشن‌تر و باثبات‌تر منتقل کند. مدلی که در علم اقتصاد به آن تئوری انتظارات تطبیقی

داخلی شده است.

اسکار از ۲۰۲۹ به یوتیوب می‌رود و رایگان در سراسر جهان پخش می‌شود	روای نفتی ترامپ نقش بر آب می‌شود؟	جبلی درباره طرح صیانت توضیح داد، حضرتی از اجازه نداشتن گفتن زمان رفع فیلتر
زنگنه در هالیوود	اسکورتنفتکش‌ها زیر سایه تهدید	حواشی پرحاشیه هیئت دولت
صفحه ۳	صفحه ۷	صفحه ۲

سخن نخست

وقتی توجه تبدیل به قدرت می‌شود

هرجا تمرکز باشد، قدرت هم همان‌جاست.

این جمله ساده، یکی از عمیق‌ترین قوانین نادیده‌گرفته‌شده زندگی فردی و اجتماعی ما را بیان می‌کند. آنچه به آن توجه می‌کنیم، به‌تدریج بزرگ‌تر می‌شود؛ چه یک فکر باشد، چه یک احساس، چه یک بحران و چه یک فرصت.

به‌قلم: امیر رضا اعطاسی

منجر به عدم‌النفع (زیان ناشی از عدم تولید) حدود ۴ میلیارد دلار می‌شود.

• متانول و اوره: تولیدکنندگان متانول و اوره در عربستان و روسیه واگذار می‌کنند. بازپس‌گیری این خوراکشان متان است، مجبور به تعطیلی خطوط تولید می‌شوند.

• از دست رفتن بازارها: وقتی تولید قطع می‌شود، ایران بازارهای صادراتی خود را به رقبایی مثل عربستان و روسیه واگذار می‌کند. بازپس‌گیری این بازارها در شرایط تحریم، تقریباً غیرممکن و بسیار پرهزینه است.

انتخاب بین «بقا» و «توسعه»

تحلیل داده‌های فوق نشان می‌دهد که اقتصاد ایران در یک «مگننه استراتژیک» گرفتار شده است. از شمال با «جاده ترامپ» دور زده می‌شویم و از داخل با «ناترازی انرژی» دست و پنجه نرم می‌کنیم. زیان ۴ میلیارد دلاری پتروشیمی‌ها در یک فصل، تنها نوک کوه یخ است.

هزینه اصلی، «حذف ایران از زنجیره ارزش جهانی» (GVC) است. کشوری که نتواند انرژی صنایع خود را تامین کند و مسیرهای ترانزیتی‌اش توسط همسایگان دور زده شود، به تدریج به یک «جزیره اقتصادی» تبدیل می‌شود که تنها تعاملش با جهان، فروش تخفیف‌دار منابع خام برای خرید کالاهای مصرفی است.

راهکار اقتصادی روشن است، هرچند تصمیم سیاسی آن دشوار باشد: بازگشت به میز مذاکره برای رفع تحریم‌ها، پذیرش FATF برای عادی‌سازی روابط بانکی، و جذب سرمایه‌گذاری خارجی برای نوسازی صنعت نفت و گاز.

بدون این اقدامات، «جغرافیا» به تنهایی نمی‌تواند اقتصاد ایران را نجات دهد.

به‌قلم: مرتضی رضایی

و انتهایش می‌گوید: «جریمه اش را می‌دهم،» خداداد راست می‌گفت و ما اشتباه می‌کردیم؛ آنجا که مقابل دوربین‌های رسانه‌ها عنوان کرد: «نه از شما و نه از گنده‌تر از شما هم نمی‌ترسم.» راستی این جریمه‌ها پرداخت می‌شود و اگر می‌شود کجا هزینه می‌شود؟ کاش فدراسیون فوتبال در این مورد هم توضیح بدهد و پول خرد هایی که از فوتبالیست‌های متومل می‌گیرد را یک چا رسانه ای کند؟

کنند و در انتهایش هم بنویسند: «جریمه سنگین!» حالا این جریمه نقدی به کنار؛ یک جلسه محرومیت را کجای دل‌مان بگذاریم؟ آقایان! این بیشتر شبیه نوازش است تا محکومیت و محرومیت. یک سری چیزها را باب نکنید و بی احترامی، الفاظ رکیک و بی‌شرمانه را در فضای مجازی رسمی نکنید. از فردا هر کسی دهانش را باز می‌کند، انواع و اقسام توهین‌ها را به مخاطب خودش می‌دهد

ناموس مردم در مقابل چشم میلیون‌ها بیننده توهین کن، پس از آن از زمین و زمان طلب کار باش و سپس احتمالاً با فشار و سفارش دوستان و رفقا یک ببخشید ساده بگو و ۵۰۰ میلیون هم جریمه نقدی شو! در قیاس برای فوتبالیست‌هایی که ۵۰۰ میلیون پول خردشان است مثل این می‌ماند که یک کارمند را به دلیل بی‌احترامی به رییس، خانواده‌اش، خدم و حشم و جد و آباء ۱۰ هزارتومان ناقابل جریمه